

# دریای خزر، منابع، وضعیت حقوقی و آینده آن

حسین کاظم پور اردبیلی

مالی لازم مواجه می‌باشند. دو عامل عمده موجب پیچیده‌تر شدن وضعیت کشورهای جهان است که در حاشیه دریای خزر قرار دارند شد: نیاز و لزوم صدور نفت آنها به بازارهای جهانی از طریق یک راه اقتصادی و مقرون به صرفه و قابل اطمینان، و دیگر وضعیت حقوقی دریای خزر. در هر دو عامل موقعیت جغرافیایی و سیاسی

مجموع اولیه شرکت‌های بزرگ نفتی برای بدست آوردن منابع باادآورده، از سوی دیگر با فقدان کامل سیستم‌های حقوقی و مالی و سردرگمی مواجه شد. کشورهای تازه استقلال یافته، غالباً دارای ذخایر غنی نفت و گاز می‌باشند، اما برای بهره‌برداری اقتصادی و به‌هنگام جهت توسعه منابع انرژی خود با کمبود منابع تکنولوژیک و

سقوط کمونیزم و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به چند کشور مستقل، اگرچه اثرات سیاسی چندان حادی نداشت، اما نتایج و تأثیرات اقتصادی وسیعی به‌ویژه در بخش انرژی جهان به همراه آورد.

شوروی به دنبال کاهش تولید نفت منطقه که عمدتاً ناشی از فقدان تأمین هزینه‌های عظیم نگهداری بود، از یکسو، و



جمهوری اسلامی ایران از بیشترین اهمیت برخوردار است. این مقاله به منظور بیان وضعیت منطقه و نیز راههای ممکن همکاری میان کشورهای ساحلی دریای خزر تهیه شده است.

### منابع:

دریای خزر میراث مشترک ملل ساحلی است و ذخایر نفت و گاز موجود در آن، همراه با استفاده از منابع بیولوژیکی آن، نقش مهمی ایفاء می‌کند. به علاوه نقش دریای خزر به عنوان یک وسیله حمل و نقل دریائی و نیز تعدیل نمودن آب و هوا و ایجاد شرایط مساعد برای کشاورزی کشورهای ساحلی بسیار مهم است. کشورهای حاشیه دریای خزر، دارای ذخایر قابل توجه نفت و گاز هستند. تا پایان سال ۱۹۹۴ میزان ذخایر نفت این منطقه ۱۵۰ میلیارد بشکه و میزان ذخایر گاز طبیعی آن ۷۵ تریلیون متر مکعب برآورد گردیده که این مقدار برابر با ۱۵ درصد کل ذخایر نفت جهان و ۵۰ درصد ذخایر گاز جهان است. لذا تصور می‌شود که از طریق همکاریهای منطقه‌ای و با ایجاد یک محیط مناسب سرمایه‌گذاری، بتوان تا دهه اول قرن ۲۱ به ارقام بالاتری دست یافت.

منابع انرژی شناخته شده این کشورها متجاوز از تقاضای داخلی آنها است و لذا صادرات مازاد تولید این کشورها می‌تواند برای یک مدت طولانی، نه فقط تقاضای بین‌المللی را تأمین کند، بلکه همچنین در تسریع رشد اقتصادی کشورهای تولیدکننده، مؤثر باشد. نحوه حمل و صدور منابع این منطقه به بازارهای جهانی نیز اهمیت دارد و این امر جایگاه جمهوری اسلامی ایران و نقشی را که می‌تواند در منطقه ایفاء کند، نشان می‌دهد. وضعیت جغرافیائی ایران از نقطه نظر مرزهای خاکی و آبی که در شمال با آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و روسیه دارد و نیز مرزهای شرق و غرب آن و ارتباط داشتن با ده کشور دیگر در جنوب از جمله تعدادی از کشورهای تولیدکننده نفت عربی، بی نظیر است. بنابراین ایران

بمانند پلی میان دو منطقه بسیار مهم که دارای ذخایر عمده‌ای از انرژی جهان هستند، یعنی دریای خزر و خلیج فارس، عمل می‌کند. طبیعتاً ایران مهمترین گذرگاه اقتصادی برای انتقال صادرات نفت دریای خزر به سوی بازارهای نهائی مصرف است. قسلاً از بحث در مورد ذخایر و دورنمای تولید نفت در هر یک از کشورهای منطقه خزر و نیز پتانسیل همکاریهای منطقه‌ای، نخست بررسی کوتاهی از دورنمای انرژی جهان ضروریست.

بدون استثنا، همه پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که تقاضای جهان برای انرژی، در قرن آینده به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت، هرچند که شکل توزیع جغرافیائی آن ممکن است تغییر یابد. انتظار می‌رود جمعیت جهان تا سال ۲۲۰۰، تا ۸ میلیارد نفر افزایش یابد. رشد و توسعه اقتصادی تعدادی از کشورهای در حال توسعه کنونی نیز همچنان ادامه خواهد داشت و نتیجتاً تقاضای انرژی به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد. عرضه انرژی به مقدار کافی و به قیمت‌هایی که مصرف‌کنندگان از عهده آن برآیند برای رفاه جامعه بشر ضروری است. تردیدی نیست که نفت و گاز و ذغال سنگ، نقش مهمی در تأمین تقاضای انرژی جهان ایفا خواهند کرد.

در بسیاری از سناریوهای برآورد انرژی برای آینده، پیش‌بینی می‌شود که مصرف نفت در سال ۲۰۰۰، حدود ۶ تا ۸ میلیون بشکه در روز بالاتر از سال ۱۹۹۵ باشد. میزان افزایش تقاضا تا سال ۲۰۱۰ نسبت به سال ۱۹۹۵، می‌تواند ۱۱ تا ۱۸ میلیون بشکه در روز باشد. بنابراین به منظور تأمین تقاضای نفت در پانزده سال آینده، نه فقط لازم است سطح کنونی تولید حفظ گردد و همه حوزه‌های تهی شده و کاهش طبیعی حوزه‌های در حال برداشت جایگزین گردند، بلکه همچنین لازم است افزایشی معادل حدود دوبرابر ظرفیت تولید فعلی عربستان سعودی، به ظرفیت تولید کنونی اضافه گردد.

همچنین انتظار می‌رود که در پانزده

سال آینده، بیش از ۵۰ درصد افزایش تقاضای انرژی جهان از سوی اقتصاد پویای کشورهای آسیائی باشد. هرگونه افزایش تولید نفت در آسیای شرقی در این رابطه غیرمحتمل به نظر می‌رسد و پیش‌بینی می‌شود که وابستگی آسیائی‌ها به نفت وارداتی، که اکنون حدود ۵۰ درصد است، به ۷۰ درصد تا سال ۲۰۱۰ افزایش یابد. پیش‌بینی‌ها همچنین نشان می‌دهد که روسیه و کشورهای آسیای مرکزی یکی از عرضه‌کنندگان عمده انرژی در آسیا خواهند شد. بنابراین وضعیت جغرافیائی سیاسی انرژی در آسیا به طور بنیادی دگرگون خواهد شد.

جغرافیای سیاسی جهان نیز در حال تغییر شکل است. در سال ۱۹۷۰ قیمت یک بشکه نفت کمتر از دو دلار آمریکا بود و گفته نمی‌شد که اوپک سهمی از بازار دارد. کل تولید جهان کمی بیش از ۴۷/۵ میلیون بشکه در روز بود و آمریکا بزرگترین تولیدکننده نفت در جهان بود و ۷۵ درصد نیاز داخلی انرژی خود را تأمین می‌کرد. از آن موقع تاکنون، مصرف انرژی جهان ۶۰ درصد و تولید نفت حدود ۴۰ درصد افزایش یافته و مصرف گاز دو برابر شده است. قیمت یک بشکه نفت که در بالاترین سطح به حدود ۴۵ دلار رسید، در سالهای اخیر در حدود ۱۵ تا ۲۰ دلار تثبیت شده است.

در طی این مدت خاورمیانه دچار تغییرات بنیادین شده است و با بحران‌های جدی مختلفی روبرو گردیده است. اوپک که ابزاری در تعیین قیمت‌های انرژی بویژه نفت بود، اکنون اختیاری از خود ندارد و قدرتش به بازارهای رقابتی منتقل گردیده است. وابستگی آمریکا به نفت وارداتی اکنون به نیمی از نیازهایش رسیده است. عراق به طور موقت از بازار خارج گردیده است. عربستان سعودی عمده‌ترین تولیدکننده نفت شده است. اهمیت ذغال سنگ به عنوان یک منبع انرژی اولیه در فرانسه، انگلیس و آلمان کمتر شده است، و تولید انرژی از نیروگاه‌های هسته‌ای که روبه‌افزایش بود، به دلایل ایمنی و مشکلات زیست محیطی کاهش یافته

است.

اکنون اجازه دهید که به موضوع تولید و مصرف نفت در آسیای مرکزی و تفقاز بازگردیم.

### آذربایجان

تولید نفت در باکو در قرن نوزدهم آغاز شد و در ابتدای قرن بیستم نیمی از تولید نفت جهان از آذربایجان تأمین می‌شد. در سال ۱۹۴۱ این کشور ۷۰ درصد کل تولید نفت خام اتحاد جماهیر شوروی سابق (FSU) را تولید می‌کرد. اما این میزان در سال ۱۹۹۵ به ۲/۶ درصد کاهش یافت. تولید این کشور که در بالاترین سطح حدود ۵۰۰ هزار بشکه در روز بود، پس از جنگ جهانی دوم کاهش یافت و اتحاد شوروی سابق به سمت منابع جاهای دیگر رفت. در طی دو دهه گذشته، تولید نفت آذربایجان به‌طور منظم از ۳۴۴ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۷۵ به ۲۶۴ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ کاهش یافته و میزان تولید آذربایجان در سال ۱۹۹۵ با کاهش بیشتر به ۱۸۵ هزار بشکه در روز رسید (متوسط سالیانه کاهش تولید آذربایجان از سال ۱۹۷۵ تا به حال ۳/۱ درصد بوده است). به‌هر صورت مصرف نفت این کشور ۱۷۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۹۵ بوده و عملاً میزان مصرف آن در طی چند سال تغییری نیافته است و همین امر موجب شده که آذربایجان به صادرات مقداری از نفت خام خود ادامه دهد.

اخیراً ذخایر نفت و گاز ثابت شده آذربایجان به‌ترتیب در حدود ۱/۲ میلیارد بشکه نفت (۲/۱ درصد کل ذخایر نفت اتحاد جماهیر شوروی سابق) و ۰/۱ تریلیون مترمکعب گاز (۰/۲ کل ذخایر گاز اتحاد جماهیر شوروی سابق) قرار گرفته است. پتانسیل ذخایر نفت خام آذربایجان تا ۱۵ میلیارد بشکه برآورد شده است. دو پالایشگاه آذربایجان جمعاً ۴۴۱۸۰۸ بشکه در روز ظرفیت پالایش دارند. نرخ بهره‌گیری از این پالایشگاهها ۶۵ درصد می‌باشد. پالایشگاه باکو ترکیب ساده‌ای از فرآورده‌های نفتی را داراست، حال آنکه پالایشگاه Novo-Baku دارای

ترکیب پیچیده‌تری می‌باشد و فرآورده‌های سبک عمده‌تری را عرضه می‌کند.

شرکت بین‌المللی عملیات نفتی آذربایجان (AIOC)، در سال ۱۹۹۴ تشکیل گردید که اکنون در حال توسعه حوزه‌های برون ساحلی این کشور می‌باشد. شرکت‌های عمده نفتی که به‌توسعه حوزه‌های نفتی این کشور در دریای خزر مشغول هستند شامل آموکو، بی‌پی، اگزان و استات اوایل می‌باشند. با افزایش حضور این شرکتها در آذربایجان به‌منظور تولید نفت این کشور در مناطق برون ساحلی دریای خزر، آذربایجان عملاً در سالهای آتی آماده افزایش تولید نفت و مآلاً صدور خالص نفت خود می‌شود.

اضافه بر این، یک مشکل عمده برای آذربایجان، اختلاف این کشور در مورد باتومی در گرجستان است. این راه صادراتی اخیراً تحت مطالعه و بررسی است. صادرات نفت به ایران برای استفاده در پالایشگاه تبریز نیز مورد مطالعه قرار گرفته است. به‌علاوه صادرات نفت از طریق ایران و ترکیه به‌مدیترانه نیز اقتصادی به‌نظر می‌رسد.

### قزاقستان

در اتحاد جماهیر شوروی سابق، قزاقستان دومین کشور بزرگ از نظر وسعت جغرافیائی و نیز دومین تولیدکننده بزرگ نفتی بعد از روسیه است.

تولید نفت این کشور از ۴۸۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۷۵ به ۳۷۳ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۸۰ کاهش یافت و بعد از آن تولید آن رو به افزایش گذارد و به ۵۷۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۹۱ رسید و سپس بار دیگر به‌تدریج تولید آن تا ۴۴۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۹۵ کاهش یافت. نفت تولید شده این کشور در سال ۱۹۹۵، ۶/۱ درصد کل تولید نفت اتحاد شوروی سابق در این سال بود. مصرف نفت این کشور بطور اساسی در دهه گذشته کاهش یافته است، بطوریکه میزان مصرف از ۴۱۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ به ۲۴۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۹۵ کاهش یافته است.

اخیراً ذخایر ثابت شده نفت و گاز قزاقستان به‌ترتیب در حدود ۵/۳ میلیارد بشکه نفت (۹/۳ درصد کل ذخایر نفت اتحاد شوروی سابق) و ۱/۸ تریلیون متر مکعب گاز (۳/۲ درصد کل ذخایر گاز اتحاد شوروی سابق) شده است. تصور می‌شود که بزرگترین حوزه نفتی تنگیز تا ۱۰ میلیارد بشکه، نفت قابل استحصال داشته باشد و به‌علاوه برآورد شده است که پتانسیل ذخایر نفت قزاقستان حدود ۲۰ میلیارد بشکه باشد.

سه پالایشگاه این کشور جمعاً ۳۹۳۶۱۱ بشکه ظرفیت دارند که به‌ترتیب در Atyrau، Chimkent و Pavlodar قرار دارند، نرخ بهره‌گیری از آنها حدود ۹۵ درصد می‌باشد. قزاقستان شروع به‌مدرنیزه نمودن و افزایش ظرفیت پالایشگاههای خود نموده است. ظرفیت پالایشگاه Atyrau از سطح ۶۰ هزار بشکه در روز کنونی به دو برابر افزایش خواهد یافت.

شرکت آمریکائی شورون و شرکت Elf فرانسه در این کشور چندسالی است که فعال شده‌اند. با نهائی شدن یک قرارداد جدید بین شورون و دولت قزاقستان، انتظار می‌رود تولید از حوزه نفتی تنگیز از سطح ۶۵ هزار بشکه کنونی به سطح ۷۰۰ هزار بشکه در روز تا سال ۲۰۰۵ و یک میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۱۰ افزایش یابد که بدین ترتیب قزاقستان را یک صادرکننده عمده نفت می‌سازد. به‌هر صورت از مسائل عمده‌ای که این کشور با آن روبرو است فشار جهت تدارک برای صادرات نفت می‌باشد. انتخابهای ممکن برای صدور نفت از این کشور عبارتند از: استفاده از سیستم خط لوله فرسوده و از کارافتاده کنونی روسیه، راه دریای خزر به‌ولگا و دریای سیاه، و ساخت یک خط لوله از طریق ایران به خلیج فارس.

### تورکمنستان

محصور بودن تورکمنستان در خشکی که زمانی دومین صادرکننده بزرگ گاز در جهان بوده، برای این کشور یک موقعیت از بین رفته در سالهای اخیر می‌باشد.

آرزوی این کشور برای یافتن راهی به بازارهای فروش از طریق همسایگانش به غیر از روسیه، هنگامیکه در ۱۳ مه ۱۹۹۶ ترکمنستان و ایران راه آهن طویل شمال - شرقی شهر مشهد ایران و شهر تجن ترکمنستان را افتتاح کردند جامعه عمل به خود گرفت.

تولید نفت در این کشور به شدت کاهش یافته و از ۳۱۳ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۷۵ به ۷۸ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۹۴ رسیده است که این میزان ۱/۱ درصد کل تولید نفت اتحاد شوروی سابق در آن سال بوده است. ذخایر ثابت شده نفت ترکمنستان در حدود ۱/۴ میلیارد بشکه (۲/۱ درصد کل ذخایر نفت اتحاد شوروی سابق) می باشد و ذخایر نفت قابل استحصال واقعی آن حداقل ۴/۲ میلیارد بشکه پیش بینی می شود. این کشور دومین ذخایر گاز طبیعی را در اتحاد شوروی سابق با ۲/۹ تریلیون مترمکعب (۵/۲ درصد کل ذخایر گاز اتحاد شوروی سابق) دارا می باشد و در سال ۱۹۹۵، ۳۰/۱ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی تولید کرده است.

ترکمنستان دارای دو پالایشگاه می باشد که در Chardzou و Krasnovodsk قرار دارند و کل ظرفیت آنها حدود ۲۳۶ هزار بشکه در روز است. نرخ بهره گیری و استفاده از این پالایشگاهها حدود ۴۹ درصد است و برای آنکه آنها قادر به تولید فرآورده های با کیفیت بهتر باشند لازم است که کاملاً مدرنیزه شوند.

ترکمنستان نظیر سایر جمهوریهای استقلال یافته، برای اکتشاف و توسعه حوزه های نفت و گاز خود به شرکتهای خارجی متوسل گردیده است. اخیراً شرکت نفت Bidas در این کشور فعال شده است. ترکمنستان نیاز به سرمایه گذاری در بخشهای بالادستی، پائین دستی و خطوط لوله خود به منظور صادرات گاز طبیعی اش دارد. اخیراً ترکمنستان با جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد یک خط لوله از ترکمنستان به ترکیه موافقت نامه ای امضاء نمود.

### فدراسیون روسیه

با ذخایر غنی نفت، گاز و ذغال سنگ، روسیه یکی از بزرگترین دارندگان انرژی در جهان است. در طی دو دهه گذشته، تولید نفت در این کشور از حدود ۸/۳ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۵، به حداکثر خود در پایان دهه ۱۹۸۰، یعنی حدود ۱۱/۴ میلیون بشکه در روز افزایش یافت. به هر جهت به علت عدم سرمایه گذاری و فقدان تکنولوژی لازم، تولید نفت از سال ۱۹۸۹ رو به نزول نهاده و به ۶/۲ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۹۵ رسیده است. سهم این کشور از کل تولید نفت اتحاد شوروی سابق از ۹۱ درصد در سال ۱۹۸۹ به ۸۶ درصد در سال ۱۹۹۵ کاهش یافته است. مصرف نفت نیز در فدراسیون روسیه از ۵/۱ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۹ به ۲/۹ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۹۵ کاهش یافته است.

ذخایر ثابت شده نفت و گاز این کشور در پایان سال ۱۹۹۵ به ترتیب ۴۹ میلیارد بشکه نفت (۸۶ درصد از کل ذخایر نفتی اتحاد شوروی سابق) و ۴۸/۱ تریلیون مترمکعب گاز (۸۶ درصد از کل ذخایر گاز اتحاد شوروی سابق) بوده است.

بخش پالایش در روسیه عمدتاً فرسوده و از کارانفاده است و نیاز به تکنولوژی خارجی و سرمایه انبوه برای مدرنیزه شدن دارد. حدود ۲۹ پالایشگاه بزرگ و تعدادی پالایشگاه کوچکتر جمعاً با ظرفیت ۶/۷ میلیون بشکه در روز در این کشور وجود دارد. از سال ۱۹۹۵ روسیه تقریباً حدود ۲/۷ میلیون بشکه در روز مازاد ظرفیت تقطیر داشته است و هیچ منطقه یا کشور دیگری چنین مازاد عظیم ظرفیت پالایش را ندارد.

### وضعیت حقوقی کنونی

یک گرفتاری عمده برای کشورهای حاشیه دریای خزر، به استثنای جمهوری اسلامی ایران و روسیه، وابستگی جهت صادرات نفت و گاز است. از یک سو با افزایش تولید، استفاده از خطوط لوله نفت و گاز فرسوده روسیه برای صادرات، نه ممکن و

نه اقتصادی است، و از سوی دیگر به علت اشتیاق و تمایل این کشورها به تقلیل وابستگی آنها از روسیه، علاقه زیادی برای یافتن شقوق دیگر جهت دسترسی به بازارهای مصرف وجود دارد. مشکل عمده دیگر اینست که این کشورها همچنین با گرفتاریهایی در جذب سرمایه خارجی که مورد تکافوی آنها باشد جهت اکتشاف نفت و گاز و توسعه فعالیتهای خود مواجه هستند. مشکل اصلی در این ارتباط فقدان یک رژیم حقوقی برای دریای خزر است. قبل از بررسی وضعیت حقوقی دریای خزر، توضیح مختصری در مورد این دریا لازم است.

دریائی که در ایران به عنوان خزر یا دریای مازندران شناخته می شود، در خارج از ایران دریای کاسپین یا (تزوین) نام دارد. علت وجود نامهای مختلف آن ناشی از این حقیقت است که قبیله خزر در طول سواحل شمالی این دریا زندگی می کرده، در حالیکه قبیله کاسپ سواحل جنوبی را در اختیار داشته است. معهذاً یک تفاهم کلی وجود دارد که این دریا که تمام آن توسط خشکی محاط می شود، به مردمی که در سواحل آن زندگی می کنند تعلق دارد.

این بزرگترین دریاچه جهان توسط پنج کشور فدراسیون روسیه، آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری اسلامی ایران احاطه می شود. طول آن ۱۲۰۴ کیلومتر است و سطح آن ۴۳۶ هزار کیلومتر مربع (برابر با مساحت ژاپن) است. متوسط عمق آن ۱۸۰ متر و حجم آب آن حدود ۷۷ میلیون متر مکعب است. به علت عمق و جهت جریان آب، دریای خزر به سه قسمت شمالی، وسط و جنوبی تقسیم می شود. قسمت شمالی معادل ۲۸ درصد کل سطح آن و متوسط عمق آن ۶/۲ متر است. جهت جریان آب در این قسمت موافق جهت عقربه ساعت است. قسمت وسط ۳۶ درصد سطح دریا را شامل می شود و عمق متوسط آن ۱۷۶ متر است. قسمت جنوبی شامل ۳۶ درصد باقیمانده سطح دریا و عمق متوسط آن ۳۲۵ متر است (حداکثر عمق آن ۱۰۰۰

متر است). جهت جریان آب در وسط و قسمتهای جنوبی خلاف جهت عقربه ساعت است. سرانجام ذخایر ثابت شده نفت در دریای خزر حدود ۲۹۸ میلیارد بشکه است.

در رابطه با وضعیت حقوقی دریای خزر یک شناخت و شناسائی کلی وجود دارد و آن درک و قبول آنچه که همیشه در گذشته وجود داشته و در معاهده ۲۶ فوریه و ۲۵ مارس ۱۹۴۰ ایران و اتحاد شوروی نیز منعکس شده است، می باشد. هر دو کشور به این دریا به عنوان دریای ایران و شوروی اشاره می کنند و «اهمیت ویژه» آن را تأکید می کنند. در این مدارک هر دو طرف، درک واضح و روشنی از دو اصل عمده زیر دارند و بر آن تأکید دارند:

۱- اصل مساوات دو کشور برای دسترسی به دریا و استفاده از آن.

۲- این دریا به روی همه کشورهای که در طول ساحل آن قرار ندارند، بسته است. از نظر حقوق بین الملل، اصول ذکر شده فوق علیرغم تجزیه اتحاد شوروی کاملاً معتبر باقی است. به علاوه، بر طبق بیانیه ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱، آلمان، کشورهای مستقلی ترکمنستان، قزاقستان، روسیه و آذربایجان به روشنی پایبندی خود را نسبت به تعهدات و مفاد معاهدات امضاء شده توسط اتحاد شوروی سابق اعلام نموده اند. بنابراین تجزیه اتحاد شوروی نمی تواند نه بر واقعیت و ماهیت دریای خزر و نه بر وضعیت حقوقی آن در رابطه با ایران تأثیر بگذارد. تنها مسئله ای که در این ارتباط در معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ گنجانده نشده، استخراج و بهره برداری از منابع معدنی زیر بستر دریا است. منافع عظیم شرکتهای خارجی در ذخایر قابل توجه نفت و گاز این دریا یک بحث جامعی را در مورد رژیم حقوقی قابل عمل و اجرا در پهنه این آبهای بسته القاء و ایجاد نموده است. همیشه یک احتمال قوی وجود دارد که مداخلات و تحریکات نیروهای خارجی و طرفهای ثالث که منافع کمی در منطقه دارند، نهایتاً بتواند موجب برهم زدن محیط صلح آمیز و ثبات منطقه شود. لذا بررسی کامل مسائل

مربوطه و اخذ معیارهای عملی برای ایجاد آرامش در منطقه کاملاً ضروریست.

### آینده

در تاریخ ۵ اکتبر ۱۹۹۴، دولت روسیه از طریق یادداشتی به ملل متحد، موقعیت خود را در رابطه با استفاده از منابع معدنی زیر بستر این دریا روشن و اعلام نمود. طبق این یادداشت، دریای خزر شامل مبحث قوانین حقوق بین الملل دریا نمی شود. آنطور که در ماده ۱۲۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ تعریف شده، دریای خزر نه یک دریای باز و نه یک دریای بسته است. رژیم حقوقی دریای خزر شامل مبحث شرایط و مفاد معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ ایران و اتحاد شوروی است و پنج کشور ساحلی موظف به اجرای شرایط و مفاد ذکر شده هستند. بنابراین هر یک از این کشورها باید از اقدامات یکجانبه در مورد بهره برداری از منابع زیر بستر دریای خزر امتناع کنند. به هر جهت روسیه امکان تجدیدنظر در وضعیت حقوقی خزر را رد نمی کند، اما این امر را منوط به توافق ۵ کشور ساحلی می کند. بنابراین وضع موجود به قوت و اعتبار خود باقیست و باید محترم شمرده شود. در کنفرانس لندن در ۲۴ فوریه، مقامات روسیه و قزاقستان تأکید کردند که مسائل مربوط به این دریا یک رابطه مستقیم با منافع حیاتی پنج کشور ساحلی دارد. آنها افزودند که صلح و ثبات در منطقه منوط به یافتن راه حلی منطقی برای مشکلات، براساس احترام به منافع مشروع و بر حق یکدیگر دارد. آنها همچنین اظهار داشتند امیدوارند که اختلافات موجود بتواند با اعتقاد کامل و مطلوب و ارتقاء همکاری منطقه ای برای استخراج و بهره برداری از منابع زیربستر دریا حل شود. لازم به تذکر است که برخی استدلال نموده اند که قضیه حقوقی دریای خزر با اصل مالکیت مشترک یا مشاع سازگاری ندارد. به عبارت دیگر آنها بیان می کنند که داشتن یک قلمرو مشترک نباید براساس یک معاهده باشد و چنین معاهده ای برای دریای خزر وجود ندارد.

این انتقاد منطقاً قابل دفاع به نظر نمی رسد. اگرچه مالکیت مشاع ندرتاً براساس یک قرارداد است، اما یک قرارداد به سادگی رویه های اداری و روش های استفاده از دارئی های مشترک را تعیین می کند. معهداً این استدلال که دریای خزر به طور مشترک به کشورهای ساحلی تعلق دارد، مانع از توافق برای استفاده منصفانه و مساوی از منابع آن نمی شود. تحت شرایط فعلی نیازی نیست که برای مالکیت مشترک تا الی ابد توافق شود. اگر بعد از مذاکرات، دولتهای علاقه مند به این نتیجه برسند که تقسیم کامل یا قسمتی از دریای خزر بهترین منافع را برای آنها ایجاد می کند در آن صورت آنها می توانند به مالکیت مشاع کنونی خاتمه دهند و دریا را به پنج قسمت ملی تقسیم کنند.

اگر پنج کشور ساحلی تصمیم بگیرند از منابع زیر بستر دریا به یک روش مشترک استفاده کنند، بعد از آن ایجاد یک سازمان منطقه ای که بتواند بر امور اجرایی و اداری نظارت کند لازم خواهد بود.

چنین سازمانی می تواند به شرکتهای نفتی واجد شرایط که قسمتی از دریا به آنها برای استخراج، توسعه و تولید اختصاص داده شده، واگذار شود. این سازمان همچنین می تواند بر فعالیتهای عملیاتی نظارت کند. سهم هر کشور می تواند نقد یا به شکل قسمتی از تولید پرداخت شود.

از سوی دیگر، تفکیک دریا و تقسیم آن به بخش های ملی می تواند یک اشکال عمده، اگر که منابع هیدروکربوری به طور یکنواخت در سراسر بستر دریا گسترده باشد، داشته باشد. بنابراین برای این امر باید بعداً قواعد و معیارهایی به شکل زیر مورد ملاحظه قرار گیرد:

۱- تساوی حقوق بین دولت جمهوری اسلامی ایران و کشورهای دیگری که جایگزین اتحاد شوروی در سواحل دریای خزر شده اند.

۲- قابلیت تحریک و تناسب پذیری سهم ها.

بر اصل تساوی تأکید می شود و در معاهدات سال ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ ایران و اتحاد شوروی این امر مجدداً مورد تأکید

## قزاقستان در صدد صادرات نفت بیشتر به ایران و چین است

قزاقستان تصمیم دارد در سال ۱۹۹۷ میلادی ضمن صدور معادل یک میلیون تن نفت خام به ایران، صادرات نفت به چین را نیز آغاز کند.

نورلان بالجیمیایف رئیس شرکت ملی نفت قزاقستان گفت: پالایشگاههای ایران برای پالایش نفت قزاقستان با مشکل روبه‌رو هستند و کارشناسان ایرانی مشکلات ناشی از ترکیب شیمیایی غیرمعمول نفت قزاقستان را بررسی می‌کنند.

وی همچنین گفت: صادرات نفت قزاقستان به چین در نیمه دوم سال ۱۹۹۷ میلادی از طریق خط آهنی که بزودی بین دو کشور احداث می‌شود آغاز خواهد شد. بالجیمیایف افزود: قزاقستان در نظر دارد در مدت ده سال به ششمین تولیدکننده بزرگ نفت در جهان مبدل شود.

## توسعه همکاری‌های ایران و روسیه در زمینه نفت و گاز

آقای ناطق نوری، رئیس مجلس شورای اسلامی، در جریان سفر به مسکو اعلام کرد همکاری ایران و روسیه در زمینه صنعت نفت و گاز و سرمایه‌گذاری مشترک در این صنعت گسترش می‌یابد. رئیس مجلس گفت در ملاقات با آقای یلتسین و سایر مقامهای روسیه توافق شد که همکاری‌های دو کشور، از جمله در بهره‌برداری از گاز چهار میدان گاز پارس جنوبی، استمرار یابد. وی افزود ایران خواستار مشارکت روسیه در کنسرسیوم مشترک ایران و فرانسه در مورد توسعه میدان پارس جنوبی است و روسیه را بر سایر کشورها برای همکاری در این زمینه ترجیح می‌دهد.

در حال حاضر کارشناسان دو کشور در حال مذاکره درباره نحوه همکاری‌های دوجانبه در زمینه‌های مختلف هستند.

تحويل نفت خام و گاز طبیعی آنها به بازارهای مصرف کمک کند. ایران یک شبکه گسترده خط لوله برای نفت خام و گاز طبیعی دارد و همانطور که در بالا ذکر شد، چندین بندر در خلیج فارس دارد. کشورهای ساحلی دریای خزر می‌توانند از این راه نفت و گاز خود را به خریداران در کوتاهترین زمان ممکن تحويل دهند. به‌علاوه با در نظر گرفتن مصرف آینده فرآورده‌های نفتی در جنوب و جنوب شرقی آسیا و خاور دور، تنها راه منطقی صادرات نفت و گاز کشورهای ساحلی دریای خزر می‌تواند از طریق عبور یک خط لوله از ایران و صدور آن از بنادر ایران باشد.

نیاز به گفتن نیست، تجارب زیاد ایران در اکتشاف، تولید، پالایش و حمل نفت و گاز، و نیز داشتن کارشناسان واجد شرایط که در انجام پروژه‌های بزرگ موفقیت داشته‌اند، می‌تواند مورد استفاده کشورهای همسایه قرار گیرد. به‌علاوه شرکت‌های زیادی در ایران وجود دارند که می‌توانند خدمات خود را در طراحی، مهندسی، ساختمان و تولید و ساخت پروژه‌های مختلف نفت و گاز عرضه کنند.

با توجه به مسائل فوق، تردیدی نیست که ایران بهترین شریک تجاری در هر پروژه‌ای برای استفاده از منابع دریای خزر می‌باشد.

\* این سخنرانی در همایش گاز در کیش (۲۹ بهمن ۱۳۷۵) ایراد شد.

## مآخذ:

- نشریه بررسی آمار جهانی انرژی توسط B.P-۱۹۹۶.
- نشریه APS و 1/8 ژوئیه ۱۹۹۶، ۲۶ اگوست ۲ سپتامبر ۱۹۹۶.
- تحولات اخیر انرژی در اتحاد شوروی سابق - نشریه پترولیوم اکونومیست، سپتامبر ۱۹۹۵.
- نشریه نفت و گاز، ۱۸ دسامبر ۱۹۹۵.

قرار گرفته است. معیار قابلیت تحریک یا تناسب‌پذیری سهم‌ها، نیز یک قاعده منطقی است که به رسمیت شناخته شده و در قوانین حقوق دریا و تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری، در کل و در قسمت مربوط به تقسیمات فلات قاره مورد تأیید قرار گرفته است. این قوانین و تصمیمات می‌تواند به‌عنوان مسائل مسبوق به‌سابقه و رهنمودهایی برای هر تصمیمی، در مورد یک سیستم مالکیت مشاع مورد استفاده قرار گیرد.

بیانات فوق، با در نظر گرفتن حجم عظیمی سرمایه که برای این منطقه مورد نیاز است، موجب می‌شود که هیچ سرمایه‌گذار خارجی ریسک سرمایه‌گذاری در دریای خزر را بدون حمایت دولت متبوع خود و پوشش بیمه‌ای لازم، تقبل نکند.

بنابراین وضعیت حقوقی دریای خزر باید هرچه زودتر مشخص شود. شرکت‌های نفتی منتظر دیدن حل نهایی این مسئله هستند. جمهوری اسلامی ایران امیدوار است در این مورد با کشورهای ساحلی دریای خزر به توافق کامل برسد. وضعیت مثبت و راسخ روسیه، امکان انعقاد یک موافقت‌نامه چهارجانبه بین قزاقستان، روسیه، ترکمنستان و جمهوری اسلامی ایران را میسر می‌سازد. آذربایجان می‌تواند بعداً به این توافق ملحق شود. یک چنین رویه‌ای در ثرم و قواعد بین‌المللی سابقه دارد.

موقعیت جمهوری اسلامی ایران از نظر استراتژیک دارای مزایای بسیاری است. در ایران شبکه گسترده‌ای از بنادر، راه‌آهن و جاده‌ها در طول ساحل دریای خزر قرار دارد که یا موجود و یا در حال ساخت است. همچنین بنداری مجهز و مطلوب نیز در سواحل خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. شبکه ملی راه‌آهن ایران، دریای خزر را به خلیج فارس متصل می‌کند و این خط تجاری می‌تواند توسط همه کشورهای همسایه دریای خزر مورد استفاده قرار گیرد.

ایران همچنین در موقعیتی است که می‌تواند به همه کشورهای ناحیه خزر برای